

تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های مرتبط با حسابرسی بر افشای به موقع

محمود لاری دشت بیاض* شعبان محمدی** نادر نقش بندی***

بهراد معین نژاد****

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های مربوط به حسابرسی بر افشای به موقع پیش بینی شده توسط تاخیر گزارش حسابرسی را بررسی می‌کند. این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و از نوع توصیفی-همبستگی است. از داده‌های مربوط به ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵، نرم افزار ایویوز و رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد که رابطه منفی معناداری بین نوع حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه مثبت معناداری بین اظهار نظر مقبول حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه مثبت معناداری بین اقلام غیر مترقبه و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه مثبت معناداری بین نسبت موجودی و بدهی به کل دارایی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه منفی معناداری بین تعداد گزارش‌های بخش‌های تجاری شرکت و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه مثبت معناداری بین پراکنندگی مالکیت و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه مثبت معناداری بین دوگانگی مدیر عامل و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه منفی معناداری بین نسبت مدیران مستقل و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه منفی معناداری بین اندازه هیئت مدیره و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. رابطه منفی معناداری بین فعالیت کمیته حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: تاخیر گزارش حسابرسی، افشای به موقع، حاکمیت شرکتی، فعالیت کمیته حسابرسی.

طبقه بندی موضوعی: M41, M42

DOI: 10.22051/jera.2018.17059.1771

*استادیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (m.lari@um.ac.ir)

**کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، قوچان، ایران،

(نویسنده مسئول)، (shaban1362@gmail.com)

***استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، قوچان، ایران،

(nader_naghsbandi@yahoo.com)

****کارشناسی ارشد حسابداری، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران، (behrad945@gmail.com)

مقدمه

افشای به موقع نشان دهنده یک ابزار مهم برای سرمایه گذاران جهت ارزیابی کفایت سیاست‌های گزارشگری شرکت است. با توجه به این اهمیت، تعیین کننده‌های افشای به موقع در ادبیات حسابداری و مالی (لونتیس و همکاران، ۲۰۰۵؛ اترج و همکاران، ۲۰۰۶؛ ایفی، ۲۰۰۹) در حال افزایش هستند. ویژگی‌های حاکمیت شرکتی به عواملی مهم برای توضیح افشای به موقع تبدیل شده‌اند. بنابراین، تنظیم کننده‌ها برای تعیین عوامل پیش آمده از وقوع گزارش، قبل از اینکه بتوانند قوانین جدیدی را برای به حداقل رساندن آن به کار گیرند، نقش تعیین کننده ای دارند (لونتیس و همکاران، ۲۰۰۵). درک ارتباط بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و افشای به موقع، به سیاست گذاران اجازه می‌دهد تا در هنگام تصویب قوانین جدید مربوط به آن‌ها، هماهنگی بین این دو عامل تعیین کننده اعتبار گزارشگری شرکت‌ها را به دست آورند. شرکت‌ها قادر خواهند بود گزارش‌های سالیانه خود را پس از صدور گزارش حسابرسی منتشر کنند (لونتیس و همکاران، ۲۰۰۶). ونا و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که نوع صنعت رابطه بین تاخیر گزارش حسابرسی و متغیرهای مربوط به حسابرسی را تعدیل می‌کند. ایفی (۲۰۰۹) عوامل تعیین کننده تاخیر گزارش حسابرسی را با تمرکز بر ویژگی‌های شرکت‌ها و برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی مانند ویژگی‌های هیئت مدیره برای سال ۲۰۰۶ بررسی کرده است. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا که محصول یک سیستم گزارشگری جامع و مناسب می‌باشد، از ارکان ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری در شرکت به حساب می‌آید. در هر رویداد اقتصادی، سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری نیازمند اطلاعات قابل اتکا هستند. انتشار به موقع گزارش‌های مالی یک عامل کلیدی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود عملکرد بازار سرمایه است تاخیرهای مرتبط با انتشار صورت‌های مالی عدم اطمینان مرتبط با تصمیمات سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. از دیدگاه سرمایه‌گذاران، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شود که یک سازمان مستقل بر فرایند گزارشگری شرکت‌ها و مرکز ثقل این فرایند یعنی صورت‌های مالی، نظارت نمایند. نمونه‌ای از این گونه سازمان‌های مستقل، موسسات حسابرسی می‌باشند. حسابرسی، برای صورت‌های مالی گزارش شده ارزش افزوده فراهم می‌کند، زیرا نتایج بررسی مربوط بودن و قابلیت اتکا محتوای صورت‌های مالی را گزارش می‌دهد. در ادبیات گزارشگری مالی، تاخیر در ارائه صورت‌های مالی و تاخیر در ارائه

گزارش حسابرسی ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته است و در اغلب موارد موضوع به موقع بودن ارایه صورت‌های مالی در کنار به‌موقع بودن ارایه گزارش حسابرسی بحث می‌گردد. عدم ارایه به موقع گزارش حسابرسی نهایتاً منجر به تاخیر در انتشار اطلاعات می‌گردد بنابراین مفید بودن اطلاعات افشا شده در صورت‌های مالی سالیانه، با عدم ارایه به موقع گزارش حسابرسی، رابطه عکس داشته و منجر به کاهش سودمندی اطلاعات می‌گردد. تصمیم‌گیری اقتصادی مطلوب نیازمند دسترسی داشتن به اطلاعات مربوط و قابل اتکاست. در این زمینه، حسابرسی نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی به ارزیابی کیفیت اطلاعات پیش از استفاده از آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری را برطرف ساخته و زمینه مناسبی برای اخذ تصمیمات اقتصادی مطلوب فراهم می‌آورد. مفید بودن گزارش‌های منتشره از سوی شرکت‌ها، به صحت اطلاعات و به هنگام بودن آن‌ها بستگی دارد. به موقع بودن به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات می‌باشد. و طبق نظر انجمن به عنوان زیر مجموعه‌ای از ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات طبقه‌بندی (AAA) حسابداری آمریکا می‌گردد. با توجه به گسترش روزافزون جوامع و پیچیدگی مسایل خاص آن‌ها، افزایش نیاز به اطلاعات اقتصادی مربوط و در نتیجه افزایش تقاضا برای وجود سیستم‌ها و فرایندهایی که فراهم‌کننده چنین اطلاعاتی هستند ایجاد گردیده است و چنین عواملی موجب افزایش و گسترش نیاز به حسابرسی به عنوان قسمتی از کل فرایند انتقال اطلاعات شده است. به هر حال این نکته را نمی‌توان نادیده انگاشت که اجرای فرایند حسابرسی و اظهارنظر درباره منصفانه ارایه صورت‌های مالی تبدیل به یکی از عواملی شده است که معمولاً منجر به ایجاد فاصله زمانی در ارایه صورت‌های مالی به استفاده‌کنندگان می‌گردد. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که هرچه فاصله زمانی بین تاریخ صورت‌های مالی و تاریخ انتشار آن‌ها کمتر باشد، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به شکلی بهتر و موثرتر قادر خواهند بود از اطلاعات منتشر شده آن استفاده نمایند. در هر حال باید به این نکته توجه داشت که نمی‌توان صورت‌های مالی را بدون اظهارنظر حسابرسان و یا افراد مستقل حرفه‌ای، در اختیار استفاده‌کنندگان قرار داد و اظهارنظر افراد ذیصلاح درباره صورت‌های مالی، قابلیت اتکای اطلاعات را افزایش داده و استفاده‌کنندگان نسبت به اطلاعات ارایه شده، و نیز تصمیمات اتخاذ شده خود، اطمینان بیشتری خواهند داشت. جامعه در معنای عام آن همواره خواستار دریافت خدمات با کیفیت حسابرسی است زیرا انتظار می‌رود بهبود کیفیت حسابرسی، بهبود کیفیت افشا و

گزارشگری مالی و نیز غنی‌تر شدن محیط اطلاعاتی پیرامون یک شرکت را به دنبال داشته باشد و در نهایت زمینه مناسبتری برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی مطلوب فراهم آورد. امروزه به‌موقع بودن اطلاعات به عنوان معیاری بسیار مهم از سوی مراجع حرفه‌ای، مراجع قانون‌گذار، تجزیه و تحلیل‌کنندگان اطلاعات مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و جامعه علمی مورد توجه قرار گرفته است. به منظور کسب اطمینان نسبت به ارایه اطلاعات جاری و مربوط، می‌بایست جمع‌آوری، تلخیص و انتشار اطلاعات مالی در حد امکان سریع و بدون وقفه انجام گیرد. در فرایند تصمیم‌گیری، اطلاعات قدیمی ارزش چندانی برای تصمیم‌گیرندگان و فعالان بازار نخواهد داشت. بدین ترتیب ویژگی به‌موقع بودن اطلاعات تبدیل به یکی از معیارهای مهم کیفی، در ارایه اطلاعات حسابداری شده است. به سبب محدودیت دسترسی به اطلاعات مالی بیشتر از صورت‌های مالی، به‌موقع بودن انتشار صورت‌های مالی به ویژه در بازارهای نوظهور برای تامین گردش سرمایه پایدار حیاتی است. با این حال، به دلیل الزامات قوانین و مقررات یک شرکت می‌تواند تنها صورت‌های مالی را بعد از تأیید توسط حسابرسان مستقل منتشر سازد. در نهایت سرعت انتشار صورت‌های مالی برای عموم توسط سرعت کار حسابرسی و ارائه گزارش حسابرسی تعیین می‌گردد. عموماً انتشار گزارشات سالانه قبل از اظهارنظر حسابرس مستقل صورت نمی‌گیرد، بنابراین، هر چه تأخیر گزارش حسابرسی (فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی) کمتر باشد، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به شکلی بهتر و مؤثرتر قادر خواهند بود از اطلاعات منتشر شده آن استفاده نمایند که این موضوع به نوبه خود می‌تواند تأثیر بسزایی بر جذابیت بازارهای مالی و سرمایه داشته باشد. علی‌رغم اینکه مزایای حاصل از صورت‌های مالی حسابرسی شده بر کسی پوشیده نیست، ولی مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی می‌تواند بر به‌موقع بودن اطلاعات مالی ارائه شده و در نتیجه بر مربوط بودن آن اثرگذار باشد. نظام حاکمیت شرکتی به عنوان مهم‌ترین ساز و کار کنترلی و نظارتی می‌تواند تأثیر مهمی در جهت برپایی عدالت و افشای به‌موقع اطلاعات داشته باشد. بنابراین، یکی از نظام‌های موجود به منظور تخفیف مشکل نمایندگی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران در بازار سرمایه، نظام حاکمیت شرکتی است. هدف اصلی این مقاله ارزیابی تأثیر عوامل مربوط به حسابرسی، مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و تأثیرات صنعت بر روی تأخیر گزارش

حسابرس به عنوان یک متغیر برای افشاء به موقع برای نمونه ای از ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۲ است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعه حاضر از یک سو بر تأثیر پنج متغیر مربوط به حسابرسی (نوع حسابرسی، اظهار نظر حسابرسی، اقلام غیر مترقبه، ریسک گزار شگری و تعداد بخش‌های گزار شگری تجاری) بر تأخیر گزارش حسابرسی تمرکز دارد. از سوی دیگر، تأثیر پنج متغیر مرتبط با حاکمیت شرکتی (پراکندگی مالکیت، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و فعالیت کمیته حسابرسی) را بر تأخیر گزارش حسابرسی بررسی می‌کند (ساماها و خلیف، ۲۰۱۷).

تأخیر گزارش مالی: ابزاری برای افشای اطلاعات مالی قابل اعتماد و قابل اتکاست که در دسترس عموم قرار می‌گیرد و در صورت بهنگام بودن می‌تواند از طریق کاهش اطلاعات خصوصی و محرمانه باعث کاهش احتمال انتخاب نادرست توسط سرمایه‌گذاران شود. بنابراین، می‌توان چنین پنداشت که ارائه اطلاعات به موقع باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران خواهد شد. افزون بر این، بین یکفیت گزار شگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه منطقی وجود دارد. این رابطه بدین صورت است که شرکت‌های دارای کیفیت گزار شگری بالاتر در مواجهه با پیامدهای کلان اقتصادی دارای حساسیت کمتری هستند. این موضوع بیان می‌کند که میان سازو کار گزار شگری و سرمایه‌گذاری ارتباط وجود دارد و وجود یکفیت گزار شگری بالا به کاهش خطر اخلاقی و انتخاب نادرست منجر می‌شود (بیدل، ۲۰۰۹). سرمایه‌گذاران در پایان دوره مالی به شدت نیازمند اطلاعات هستند تا بتوانند در خصوص سرمایه‌گذاری خود پیش‌بینی و تصمیم‌گیری نمایند. سودمندی، اثربخشی و اعتبار اطلاعات در دسترس استفاده‌کنندگان، به تأخیر گزار شگری مالی بستگی دارد. لذا با توجه به اینکه صدور و انتشار فوری اطلاعات ممکن است به طور با اهمیتی بر فعالیت‌های بازار سرمایه اثر بگذارد، با سرعت بخشیدن به انتشار اطلاعات می‌توان بورس را به یک بازار کارآمد و کارا نزدیک کرد.

نوع حسابرسی

شرکت‌های حسابرسی بزرگ، به طور کلی دارای پایگاه فنی و تخصص لازم برای انجام مأموریت حسابرسی و نیازهای مشتریان در کوتاه مدت هستند. بامبر و همکاران (۱۹۹۳) معتقدند که روش حسابرسی ساخت یافته ای که شرکت بزرگ حسابرسی را اداره می‌کند رابطه معناداری با تاخیر گزارش حسابرسی دارد. شواهد تجربی بیان می‌کند که رابطه بین نوع حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی پیچیده است. جاگی و تسویی (۱۹۹۹) دریافتند که رابطه مثبت و معناداری بین تاخیر گزارش حسابرسی و نوع حسابرسی وجود دارد. در مقابل، لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که استفاده از چهار شرکت بزرگ حسابرسی، تاخیر گزارش حسابرسی را برای کاهش می‌دهد. بنابراین فرضیه ۱ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۱: بین نوع شرکت حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

اظهار نظر حسابرسی

تحقیقات پیشین مربوط به عوامل تعیین کننده تاخیر گزارش حسابرسی (اسپانیتس، ۲۰۰۳؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۰۵) نشان می‌دهد هنگامی که حسابرس بی‌نظمی‌ها در گزارش‌های مالی را مشخص می‌کند، باید در گزارش خود ذکر کند. اما قبل از انجام این کار، باید با مدیریت شرکت مذاکره کند تا اقدامات اصلاحی را انجام دهد و میزان تست‌های حسابرسی را در تلاش برای جمع آوری شواهد حسابرسی بیشتر در مورد چنین خطاهایی به منظور محافظت از خود در برابر هرگونه دعوی احتمالی آینده برگزار کند. از آنجائی که حسابرسی ممکن است توجه سیاست‌های مالی را جلب کند یا احتمال دریافت وام بانکی را به راحتی کاهش دهد، مذاکرات بین مشتری و حسابرس در مورد تعداد اظهارات که در این گزارش وجود دارد، شدیدتر می‌شود. در نتیجه، حسابرس ترجیح می‌دهد زمان بیشتری را در حسابرسی مشکلات غیرمجاز اتخاذ کند و در رساندن سریع گزارش خود محافظه کارتر شود که به نوبه خود تاخیر گزارش حسابرسی را افزایش می‌دهد. بنابراین فرضیه ۲ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۲: بین اظهار نظر مقبول حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

اقلام غیر مترقبه

در مقایسه با معاملات چرخه‌ای، که نیازمند یک رویکرد ترکیبی از ترکیب آزمون‌های کنترل داخلی و آزمون‌های تأییدی است، اقلام غیر مترقبه نیاز به رویکرد حسابرسی گسترده و انعطاف پذیر دارند. بنابراین، حسابرسان باید چندین تکنیک حسابرسی، از جمله تأیید خارجی و ارتباط با مدیریت را بسیج کنند و زمینه تحقیق خود را گسترش دهند تا اطمینانی در مورد قابلیت تأیید و اعتبار این موارد به دست آید. انتظار می‌رود که این موارد نیاز به زمان بیشتری برای حسابرسی، بحث و مذاکره با مدیریت و در نتیجه افزایش تاخیر گزارش حسابرسی دارد. نگ و تای (۱۹۹۴) و لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که بین اقلام غیر مترقبه و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. جاگی و تسویی (۱۹۹۹) نشان دادند رابطه معناداری وجود ندارد. از این رو فرضیه ۳ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۳: بین اقلام غیر مترقبه و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

ریسک گزارش گری و تعداد گزارشگری بخش‌های تجاری

سیاست گزارشگری شرکت ممکن است تأثیر معناداری بر تاخیر گزارش حسابرسی داشته باشد. زمانی که نسبت سهام و بدهی‌های بالاتری نسبت به کل دارایی‌ها وجود داشته باشد، حسابرس با مشکلات بیشتری در مأموریت حسابرسی مواجه می‌شود. شرکت‌هایی که حجم زیادی از دارایی‌های فعلی را دارند باید حسابرسی را در پایان سال انجام دهند. بنابراین، حسابرسی مورد نیاز است که احتمالاً دقیق‌تر باشد. علاوه بر این، پیچیدگی تجاری نیز تأثیر معناداری بر تاخیر گزارش حسابرسی دارد. به عنوان مثال، حضور تعداد زیادی شرکت‌های تابعه یا تعداد زیادی از بخش‌های تجاری قابل گزارش، باعث افزایش خطر ابتلا به حسابرسی می‌شود. بنابراین، حسابرس ممکن است یک رویکرد تأییدی را برای بدست آوردن اطمینان در نظر بگیرد که هیچ نقض معناداری در آن وجود نداشته باشد. چنین اقدامات حسابرسی اضافی تأثیر مستقیم بر زمان سنجی حسابرسی خواهد داشت. بنابراین، انتظار می‌رود که یک نسبت بالاتر از دارایی‌های فعلی به دارایی‌های کل و تعداد زیادی از بخش‌های تجاری قابل گزارش، تاخیر گزارش حسابرسی را افزایش دهد. از این رو فرضیه‌های زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۴: بین نسبت بالایی از موجودی و بدهی به کل دارایی با تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵: بین تعداد گزارش‌های بخش‌های تجاری شرکت و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

پراکندگی مالکیت

گزارش سالانه حسابرسی، منبع اصلی، اطلاعات برای سرمایه‌گذارانی است که درصد سهام کمی در شرکت دارند. این سرمایه‌گذاران به اطلاعیه‌های به موقع سود نیاز دارند تا تصمیم بگیرند که چگونه منابع خود را اختصاص دهند تا عدم تقارن اطلاعاتی میان آن‌ها کاهش یابد. بر اساس نظریه نمایندگی، منافع بالقوه بین مدیریت و سهامداران در شرکت‌هایی که دارای پراکندگی مالکیت بالاتری هستند، بیشتر است. زیرا سرمایه‌گذاران با درصد کوچکی از سهام، قدرت کمتری دارند که بر تصمیمات مدیریت تأثیر بگذارند. در نتیجه، این سهامداران بیشتر بر حسابرسی متکی هستند. در چنین شرایطی حسابرسان در معرض خطر گسترده تری قرار می‌گیرند که به نوبه خود احتمال وقوع دعوی قضایی و خطرات تجاری را افزایش می‌دهد (جاگی و تسوئی، ۱۹۹۹). بنابراین، انتظار می‌رود که تاخیر گزارش حسابرسی یک تابع از پراکندگی مالکیت باشد. مطالعات تجربی در مورد چنین موضوعی عموماً بر تمرکز مالکیت و تاخیر گزارش حسابرسی با شواهد غیرقابل اطمینان متمرکز شده است (حیب و بویان، ۲۰۱۱؛ لونتیس و همکاران ۲۰۰۵). از این رو فرضیه ۶ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۶: بین پراکندگی مالکیت و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

دوگانگی مدیر عامل

دوگانگی زمانی وجود دارد که مدیر عامل به عنوان رئیس هیئت مدیره خدمت کرده و ساختار رهبری یکپارچه را ایجاد می‌کند. دوگانگی، مدیر عامل شرکت را قادر می‌سازد تا به اعمال فرصت طلبانه به دلیل سلطه خود بر روی هیئت مدیره بپردازد. علاوه بر این، فرضیه مداخله مدیریت نشان می‌دهد که مدیر عاملی که رئیس هیئت مدیره نیز باشد، ممکن است در کنترل تصمیم‌گیری به دلیل عدم کنترل کافی توسط هیئت مدیره از آزادی بیشتری برخوردار

باشد. بنابراین، او اطلاعات نامطلوب را از بین می‌برد و میزان افشای داوطلبانه را کاهش می‌دهد. هو و ونگ (۲۰۰۱)، گل و لئونگ (۲۰۰۴)، سربونی و پاربوتی (۲۰۰۷) و هوافانگ و جینگو (۲۰۰۷)، نشان دادند که دوگانگی مدیر عامل، کیفیت گزارشگری شرکت را کاهش می‌دهد. بر اساس استدلال فوق، انتظار می‌رود که دوگانگی مدیر عامل، کیفیت گزارشگری مالی را از نظر افشای به موقع و اعلامیه‌های به موقع سود کاهش دهد و از این رو تاخیر گزارش حسابرسی را افزایش دهد. بنابراین، فرضیه ۷ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۷: بین دوگانگی مدیر عامل و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

استقلال هیئت مدیره

با توجه به اظهارات فاما و یسنن (۱۹۸۳)، وجود مدیران مستقل در هیئت مدیره می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اثربخشی فعالیت‌های نظارتی که توسط هیئت مدیره به منظور محدود کردن هر نوع فرصت طلبی و سوء استفاده مدیریتی انجام می‌شود، بگذارد. مدیران مستقل ممکن است نقش مهمی در انتشار مشکلات نمایندگی بین مدیر و سهامداران داشته باشند. در نتیجه، چنین ویژگی هیئت مدیره ممکن است لوازم مورد نیاز برای ارتقای شیوه‌های گزارشگری مالی شرکت را فراهم کند. سما و دهاوی (۲۰۱۱) نشان دادند که استقلال هیئت مدیره، گزارشگری شرکت را بهبود می‌بخشد. بنابراین انتظار می‌رود که چنین ویژگی حاکمیت شرکتی در اثربخشی مأموریت حسابرسی با فراهم آوردن ابزارهای لازم برای تسهیل کار حسابرس و به تبع آن تسریع گزارش حسابرس کمک کند. بنابراین فرضیه ۸ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۸: بین نسبت مدیران مستقل و تاخیر گزارش حسابرسی در هیئت مدیره رابطه منفی معناداری وجود دارد.

اندازه هیئت مدیره

اندازه هیئت مدیره در تحقیقات حاکمیت شرکتی به عنوان یک مکانیزم مربوطه مشاهده می‌شود که می‌تواند شفافیت شرکت‌ها را از لحاظ اعتبار و افشای به موقع افزایش دهد. هیئت مدیره بزرگ ممکن است مطلوب باشد، زیرا مجموعه‌ای از تخصص و منابع موجود در شرکت را افزایش می‌دهد (هیدالگو و همکاران، ۲۰۱۰). آرکای و وازکوئز (۲۰۰۵) بیان

می‌کنند که تعداد محدود مدیران در هیئت مدیره می‌توانند تبادل نظر بین اعضای هیئت مدیره و انعطاف پذیری در روند تصمیم‌گیری را افزایش دهد. با توجه به این پیش‌بینی‌های متضاد، ارتباط بین اندازه هیئت مدیره و افشای به موقع به عنوان اطلاعات مالی حسابرسی باقی مانده غیرقابل حل است. محمد-نور و همکاران (۲۰۱۰) یک رابطه غیرمستقیم بین تاخیر گزارش حسابرسی و اندازه هیئت را نشان دادند. بنابراین فرضیه ۹ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۹: بین اندازه هیئت مدیره و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

فعالیت کمیته حسابرسی

عامل مهمی که بر شفافیت شرکت تأثیر می‌گذارد، فعالیت کمیته حسابرسی است. ریون بلو (۱۹۹۹) بیان می‌کند که نقش کلیدی در فعالیت‌های نظارت بر هیئت مدیره توسط کمیته حسابرسی ایفا می‌شود. مک مولن و راگوناندان (۱۹۹۶) نشان دادند که حضور کمیته حسابرسی در بهبود گزارشات مالی با کاهش خطاها و بی‌نظمی‌های معناداری همراه است. در طی جلسه کمیته حسابرسی، مشکلات موجود در فرایند گزارشگری مالی شناسایی می‌شوند، اما اگر تعداد جلسات کم باشد، مشکلات می‌توانند همچنان ادامه داشته باشند و در کوتاه مدت حل شوند (محمد نورو همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر این، آلگرنی و گرکو (۲۰۱۱) دریافتند که تعداد جلسات کمیته حسابرسی رابطه معناداری با کیفیت گزارشگری شرکت دارد. بنابراین، کمیته حسابرسی مستقل، خطر ریسک ذاتی را کاهش می‌دهد و به حسابرس در مورد محیط کنترلی اطمینان می‌کند و خطر کسب و کار حسابرس را کاهش می‌دهد. در نتیجه، انتظار داریم که حسابرسان به سرعت گزارش خود را برای شرکت‌هایی با تعداد بیشتر جلسات کمیته حسابرسی گزارش دهند. محمد نور و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند، رابطه منفی معناداری بین تاخیر گزارش حسابرسی و تعداد جلسات کمیته ۲۰۰۲ وجود دارد. بنابراین فرضیه ۱۰ به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۱۰: بین فعالیت کمیته حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

حساس یگانه (۱۳۹۵) تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی را بررسی کرد. نتایج یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که از بین سازوکار حاکمیت شرکتی، اندازه هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت، تأثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد ولی استقلال هیئت‌مدیره و وجود حسابرسی داخلی، بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می‌شوند. افزون بر آن، تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی نیز با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته تأیید می‌شود؛ به گونه‌ای که کیفیت حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می‌گردد.

دیلمی و صفری گرایلی (۱۳۹۵) ارتباط میان کیفیت حاکمیت شرکتی و نوسان بازده سهام شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نوسان بازده سهام شرکت‌ها با شاخص هیئت‌مدیره و شاخص شفافیت اطلاعاتی رابطه منفی معناداری دارد. اما بین نوسان بازده سهام شرکت‌ها و شاخص حقوق سهامداران رابطه معناداری یافت نشد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. دور زمانی این پژوهش از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است. در گردآوری داده‌ها از نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با بورس استفاده شد. پیاده سازی آن با نرم افزار SPSS و EVIEWS انجام گرفته است. در پژوهش حاضر، جامعه آماری کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. ویژگی‌های نظام‌مند زیر در انتخاب شرکت‌ها به شرح زیر مدنظر قرار گرفت:

الف. شرکت‌های موردنظر جزو بانک‌ها، واسطه‌گری مالی، واسطه‌گری و شرکت‌های بیمه نباشند (به دلیل تفاوت در ترازنامه، ماهیت خاص فعالیت و اهرم مالی غیرمعمول).

ب. سهام شرکت‌ها در طول هر یک از سال‌های دوره پژوهش معامله شده باشد.

پ. از منظر افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت، منتهی به پایان اسفندماه باشد.

ت. طی سال‌های مورد مطالعه تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد.

ث. شرکت‌های موردنظر از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت‌های بازار باشند.

ج. تمامی داده‌های موردنیاز آن‌ها در طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۵ در دسترس باشد.

پس از بررسی شرکت‌ها از لحاظ ویژگی‌های یادشده، در مجموع ۱۱۰ شرکت برای نمونه مطالعه انتخاب شد. داده‌های پژوهش به کمک نرم‌افزار ره‌آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی بورس گردآوری شد. برای ارزیابی اعتبار تجربی فرضیه‌های بالا، مدل داده‌های پانل را ارزیابی می‌کنیم. تجزیه و تحلیل رگرسیون بر اساس مدل زیر انجام می‌شود:

$$\begin{aligned}
 ARL_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 AudT_{i,t} + \beta_2 ExtrUi_{i,t} + \beta_3 AudO_{i,t} + \beta_4 RRisk_{i,t} + \\
 & \beta_5 RSeg_{i,t} + \beta_6 FFloat_{i,t} + \beta_7 CEOD_{i,t} + \beta_8 BSize_{i,t} + \beta_9 BInd_{i,t} + \\
 & \beta_{10} AudCm_{i,t} + \beta_{11} ROA_{i,t} + \beta_{12} Loss_{i,t} + \beta_{13} FSize_{i,t} + \beta_{14} IndType_{i,t} + \\
 & \beta_{15} ForS_{i,t} + \beta_{16} Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned} \quad (1)$$

که در مدل (۱):

متغیر وابسته:

ARL = تاخیر گزارش حسابرسی به عنوان تعداد روزهای بین پایان سال مالی مشتری و گزارش حسابرسی تعریف می‌شود.

متغیر مستقل:

الف: متغیرهای مربوط به حسابرسی

AudT = نوع حسابرس است، اگر شرکت حسابرسی یک شرکت بزرگ حسابرسی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را می‌گیرد. ExtrUi = اقلام غیر مترقبه است، در صورتی که شرکت اقلام غیر مترقبه گزارش کند عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را می‌گیرد. AudO = اظهار نظر حسابرس است، اگر نظر حسابرس با یک پاراگراف توضیحی مقبول / غیر قابل قبول باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را می‌گیرد. RRisk = ریسک گزارش شده به عنوان نسبت موجودی و بدهی به کل دارایی تعریف می‌شود.

RSeg = تعداد گزارش‌های بخش‌های تجاری است.

ب: متغیرهای حاکمیت شرکتی

$FFloat$ = این متغیر نشان دهنده درصد سهام شرکت است که آزادانه (شناور) در بورس اوراق بهادار معامله می‌شود و مالکیت شان دائمی نیست. این درصد از سهام شرکت‌ها توسط افراد تعیین می‌شود.

$CEOD$ = دوگانگی مدیر عامل یک متغیر ساختگی است، اگر مدیر عامل و رئیس یک شخص باشد عدد ۱، در غیر این صورت عدد ۰ را می‌گیرد $BSize$ = اندازه هیئت مدیره است که برابر تعداد اعضای هیئت مدیره می‌باشد. $BInd$ = استقلال هیئت مدیره است توسط درصد مدیران مستقل در هیئت مدیره تعیین می‌شود $AudCm$ = تعداد جلسات کمیته حسابرسی است (جهت اندازه گیری فعالیت کمیته حسابرسی بکار می‌رود).

متغیرهای کنترلی:

ROA = بازده دارایی‌های اندازه گیری شده با نسبت زیر: سود خالص به دارایی‌های کل.
 $Loss$ = یک متغیر ساختگی است، اگر شرکت سود منفی گزارش کند عدد ۱، در غیر این صورت عدد ۰ را می‌گیرد.

$IndType$ = متغیر ساختگی است، برای بخش‌های مالی مانند بانک‌ها و بیمه عدد ۱، در غیر این صورت عدد ۰ را می‌گیرد. $FSase$ = لگاریتم طبیعی سرمایه شرکت در بازار است $ForS$.
 Lev = نسبت = فروش خارجی به عنوان درصد فروش خارج از کشور در کل فروش است. Lev = نسبت ارزش اندازه گیری شده به عنوان کل بدهی تقسیم بر کل فروش.

کورتیس (۱۹۷۶) و کارسلا و کاپلان (۱۹۹۱) گزارش دادند شرکت‌هایی که زیان را تجربه کرده اند، تاخیر در گزارش را نشان می‌دهند. بنابراین، انتظار می‌رود که شرکت‌های سودآور تاخیر گزارش حسابرسی پایین‌تری داشته باشند و شرکت‌هایی با سود منفی، تاخیر گزارش حسابرسی طولانی‌تر داشته باشند. علاوه بر این، هندرسون و کاپلان (۲۰۰۰) معتقدند که تاخیر گزارش حسابرسی در بخش مالی نسبت به سایر صنایع کمتر است. از این رو، پیش بینی میشود که یک رابطه منفی بین بخش مالی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

نگاره (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر | تعداد مشاهدات | میانگین | ماکزیمم | مینیمم | انحراف معیار |
|------------------------------|---------------|---------|---------|--------|--------------|
| تاخیر گزارش حسابرسی | ۴۴۰ | ۶۴/۱۱۲ | ۹۶/۵۲۴ | ۳۴/۲۰۱ | ۱/۹۰۵ |
| نوع حسابرسی | ۴۴۰ | ۰/۶۵۱ | ۱ | ۰ | ۰/۰۳۱ |
| اظهار نظر حسابرسی | ۴۴۰ | ۰/۷۴۰ | ۱ | ۰ | ۰/۰۵۲ |
| اقلام غیر مترقبه | ۴۴۰ | ۰/۰۳۴ | ۱ | ۰ | ۰/۰۱۲ |
| ریسک گزارشگری | ۴۴۰ | ۰/۷۹۱ | ۰/۹۱۶ | ۰/۰۵۲ | ۰/۰۴۱ |
| تعداد بخش‌های گزارشگری تجاری | ۴۴۰ | ۰/۸۸۵ | ۶ | ۱ | ۰/۰۷۴ |
| پراکندگی مالکیت | ۴۴۰ | ۰/۴۱۹ | ۰/۸۵۶ | ۰/۱۱۳ | ۰/۰۷۸ |
| اندازه هیئت مدیره | ۴۴۰ | ۰/۸۰۷ | ۴ | ۳ | ۰/۰۶۶ |
| استقلال هیئت مدیره | ۴۴۰ | ۰/۶۲۲ | ۰/۸۲۳ | ۰/۱۲۴ | ۰/۰۵۶ |
| دوگانگی مدیر عامل | ۴۴۰ | ۰/۳۱۳ | ۱ | ۰ | ۰/۰۳۴ |
| فعالیت کمیته حسابرسی | ۴۴۰ | ۰/۴۲۱ | ۴ | ۰ | ۰/۰۲۳ |
| بازده دارایی‌ها | ۴۴۰ | ۰/۶۱۸ | ۱/۳۲۵ | ۰/۲۲۱ | ۰/۰۶۶ |
| اندازه شرکت | ۴۴۰ | ۱۲/۹۴۵ | ۱۷/۷۶۲ | ۹/۸۸۷ | ۰/۵۴۶ |
| اهرم مالی | ۴۴۰ | ۰/۷۷۴ | ۱/۰۱۲ | ۰/۲۲۴ | ۰/۰۳۳ |
| ضرر شرکت | ۴۴۰ | ۰/۵۹۹ | ۱ | ۰ | ۰/۰۴۴ |
| فروش خارجی | ۴۴۰ | ۰/۱۱۲ | ۰/۳۵۴ | ۰ | ۰/۰۱۴ |
| نوع صنعت | ۴۴۰ | ۰/۳۶۰ | ۱ | ۰ | ۰/۰۱۷ |
| سرمایه شرکت | ۴۴۰ | ۲۵/۳۶۱ | ۳۰/۲۱۵ | ۹/۶۴۵ | ۱/۰۱۳ |

آزمون مانایی متغیرها

به منظور اطمینان از نتایج تحقیق و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنادار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای تحقیق در مدل‌ها گردید. آزمون مزبور با استفاده از نرم‌افزار Eviews و روش آزمون لوین، لین و چو انجام گردید. در آزمون ریشه واحد فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد بوده و در صورتی که احتمال جدول کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد به احتمال ۰/۹۵ فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل به شرح نگاره (۲) است.

نگاره (۲): آزمون مانایی متغیرها

| Levin, Lin & Chu | | آزمون متغیر |
|------------------|----------|------------------------------|
| احتمال | آماره | |
| ۰/۰۰۰ | -۱۱۲/۶۶۷ | تاخیر گزارش حسابداری |
| ۰/۰۰۰ | -۳۲/۱۵۵ | نوع حسابداری |
| ۰/۰۰۰ | -۶۴/۴۸۸ | اظهاری نظر حسابداری |
| ۰/۰۰۰ | -۲۸/۵۵۸ | اقلام غیر مترقبه |
| ۰/۰۰۰ | -۲۳/۷۴۸ | ریسک گزارشگری |
| ۰/۰۰۰ | -۲۱/۸۶۲ | تعداد بخش‌های گزارشگری تجاری |
| ۰/۰۰ | -۵/۷۱۴ | پراکندگی مالکیت |
| ۰/۰۰۰ | -۲۲/۰۴۰ | اندازه هیئت مدیره |
| ۰/۰۰۰ | -۱۸/۵۷۶ | استقلال هیئت مدیره |
| ۰/۰۰۰ | -۳۰/۵۶۸ | دوگانگی مدیر عامل |
| ۰/۰۰۰ | -۵۰/۸۹۵ | فعالیت کمیته حسابداری |
| ۰/۰۰۰ | -۱۰۲/۱۱۷ | بازده دارایی‌ها |
| ۰/۰۰۰ | -۳۰/۱۴۵ | اندازه شرکت |
| ۰/۰۰۰ | -۶۱/۲۸۱ | اهرم مالی |
| ۰/۰۰۰ | -۲۶/۵۲۷ | ضرر شرکت |
| ۰/۰۰۰ | -۳۱/۴۹۷ | فروش خارجی |
| ۰/۰۰۰ | -۷۴/۶۵۴ | نوع صنعت |
| ۰/۰۰۰ | -۲۶/۳۸۴ | سرمایه شرکت |

با توجه به نتایج حاصل از نگاره (۲) مشخص گردید که مقدار احتمال آزمون‌ها برای کلیه متغیرها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین متغیرهای فوق در سطح مانا قرار دارند.

آزمون نرمال بودن خطاها

بررسی و انجام آزمون مذکور بر اساس آماره جارک برا است. چنانچه سطح احتمال آزمون جارک برا پایین و کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر، یعنی نرمال بودن سری رد می‌شود. نتایج این آزمون در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره (۳): آزمون نرمال بودن خطای مدل

| مدل | نوع آزمون | سطح معناداری | نتیجه آزمون |
|-----|-----------|--------------|------------------|
| | جارک برا | ۰/۰۶۲ | نرمال بودن خطاها |

همان‌طور که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود، سطح معناداری آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان‌دهنده نرمال بودن خطاهاست.

آزمون همسانی واریانس خطاها

یکی از پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطا است. به‌طوری‌که با وجود ناهمسانی واریانس در مدل، افزایش یا کاهش در متغیر مستقل، واریانس متغیر وابسته که برابر با واریانس پسماند است تغییر می‌کند. در این پژوهش برای اطمینان از نتایج به‌دست آمده، برای بررسی همسانی واریانس‌ها در داده‌های ترکیبی از روش بارتلت استفاده می‌شود. در روش همسانی واریانس بارتلت، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس‌ها و فرض مخالف آن ناهمسانی واریانس‌ها در نظر گرفته می‌شود. نگاره (۴) نتایج حاصل از آزمون همسانی مدل ۱ پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره (۴): آزمون همسانی واریانس خطاهای مدل

| مدل | نوع آزمون | احتمال آزمون | نتیجه آزمون |
|-----|-----------|--------------|------------------|
| | بارتلت | ۰/۰۰۲ | ناهمسانی واریانس |

با توجه به نتایج نگاره (۴) که نشان‌دهنده مقدار احتمال کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت واریانس خطاها ناهمسان است و فرض صفر مبنی بر ثابت بودن واریانس مدل رد شده است.

آزمون F لیمر

ابتدا به‌منظور انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. اگر احتمال (p-value) محاسبه شده بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ باشد از داده‌های تلفیقی و در غیر این صورت از داده‌های تابلویی استفاده خواهد شد. نگاره (۵) نتایج حاصل از آزمون F لیمر را نشان می‌دهد.

نگاره (۵): آزمون F لیمر

| مدل | آماره | آماره | سطح معناداری | نوع مدل |
|-----|--------------|-------|--------------|------------|
| | آزمون F لیمر | ۲/۹۴۱ | ۰/۰۰۰ | اثرات ثابت |
| | آزمون هاسمن | ۹/۸۷۲ | ۰/۱۳۷ | |

بر اساس نگاره (۵) و با توجه به اینکه احتمال (Prob) به‌دست آمده از آزمون F لیمر از ۰/۰۵ کمتر است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. با توجه به

اینکه روش ترکیبی می‌باشد، نیاز به انجام آزمون هاسمن می‌باشد. با توجه به نگاره شماره (۵)، نتایج حاصل از آزمون F لیمر و هاسمن مندرج در نگاره شماره (۵)، بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت برای آزمون آماری مربوط به فرضیه‌های پژوهش است.

نگاره (۶) نتایج حاصل از برآورد مدل را با استفاده از نرم‌افزار ایویوز نشان می‌دهد.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

| متغیر | ضریب | مقدار احتمال |
|------------------------------|--------|-----------------------|
| ثابت | ۰/۵۵۸ | ۰/۰۴۶ |
| نوع حسابداری | -۰/۰۸۲ | ۰/۰۳۲ |
| اظهار نظر حسابداری | ۰/۰۲۷ | ۰/۰۴۱ |
| اقلام غیر مترقیه | ۰/۰۵۱ | ۰/۰۴۶ |
| ریسک گزارشگری | ۰/۰۴۲ | ۰/۰۲۵ |
| تعداد بخش‌های گزارشگری تجاری | ۰/۰۲۹ | ۰/۰۳۷ |
| پراکندگی مالکیت | -۰/۰۴۵ | ۰/۰۲۴ |
| اندازه هیئت مدیره | -۰/۳۴۳ | ۰/۰۳۶ |
| استقلال هیئت مدیره | -۰/۰۶۹ | ۰/۰۳۸ |
| دوگانگی مدیر عامل | ۰/۰۲۴ | ۰/۰۲۴ |
| فعالیت کمیته حسابداری | -۰/۱۰۳ | ۰/۰۲۶ |
| بازده دارایی‌ها | ۰/۴۱۲ | ۰/۰۳۹ |
| اندازه شرکت | ۰/۳۶۵ | ۰/۰۴۸ |
| اهرم مالی | ۰/۰۲۱ | ۰/۰۴۵ |
| ضرر شرکت | -۰/۳۶۹ | ۰/۰۳۷ |
| فروش خارجی | ۰/۰۳۲ | ۰/۱۲۷ |
| نوع صنعت | ۰/۳۶۵ | ۰/۰۳۰ |
| سرمایه شرکت | ۰/۰۶۵ | ۰/۳۴۱ |
| ضریب تعیین: ۰/۴۴۳ | | آماره آزمون F: ۲۵/۳۶۴ |
| ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۴۱۰ | | احتمال آزمون F: ۰/۰۰۰ |
| آماره دوربین واتسون: ۱/۸۷۴ | | |

نتایج مندرج در نگاره (۶) نشان می‌دهد که مقدار احتمال آزمون F برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و از آنجائی که آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین نتایج حاصل از نگاره (۶) نشان می‌دهد که مقدار احتمال (سطح معناداری) متغیر نوع حسابداری از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون منفی است بنابراین رابطه منفی معناداری بین نوع

حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۱ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) اظهار نظر مقبول حسابرسی از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون مثبت است بنابراین رابطه مثبت معناداری بین اظهار نظر مقبول حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۲ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) اقلام غیر مترقبه از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون مثبت است بنابراین رابطه مثبت معناداری بین اقلام غیر مترقبه و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۳ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) متغیر نسبت موجودی و بدهی به کل دارایی (متغیری جهت اندازه گیری ریسک گزارشگری) از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون مثبت است بنابراین رابطه مثبت معناداری بین نسبت موجودی و بدهی به کل دارایی و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۴ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) تعداد گزارش‌های بخش‌های تجاری شرکت از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون مثبت است بنابراین رابطه مثبت معناداری بین تعداد گزارش‌های بخش‌های تجاری شرکت و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۵ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) پراکندگی مالکیت از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون منفی است بنابراین رابطه منفی معناداری بین پراکندگی مالکیت و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۶ رد می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) دوگانگی مدیر عامل از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون مثبت است بنابراین رابطه مثبت معناداری بین دوگانگی مدیر عامل و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۷ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) نسبت مدیران مستقل از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون منفی است بنابراین رابطه منفی معناداری بین نسبت مدیران مستقل و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۸ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) اندازه هیئت مدیره از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون منفی است بنابراین رابطه منفی معناداری بین اندازه هیئت مدیره و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۹ تایید می‌شود. مقدار احتمال (سطح معناداری) فعالیت کمیته حسابرسی از ۰/۰۵ کمتر و ضریب آن در رگرسیون منفی است بنابراین رابطه منفی معناداری بین فعالیت کمیته حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۱۰ تایید می‌شود همچنین با توجه به مقدار احتمال و ضرایب رگرسیون مربوط به متغیرهای کنترلی نتایج زیر برای این متغیرها بدست می‌آید. بین نسبت اهرم و تاخیر گزارش حسابرسی

رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در حالی که بین فروش خارجی و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. بازده دارایی‌ها مقدار تاخیر گزارش حسابرسی را افزایش می‌دهد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده این مدل معادل ۰/۴۱ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ۴۱ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی مدل قابل تبیین است. و از آنجائی که آماره دورین - واتسون مدل برابر با ۱۱/۸۷۴ است و این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می‌توان گفت که در مدل خودهمبستگی وجود ندارد.

نتیجه گیری و بحث

جزء اساسی و بنیادی شفافیت شرکت‌ها، افشای به موقع و معتبری است که کاملاً متکی بر گزارش حسابرسی است. هدف از این مطالعه بررسی زمانبندی گزارش‌های سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به طور خاص، ما این سوال حسابداری را با توجه به عوامل تعیین افشای به موقع به عنوان پروکسی توسط تاخیر گزارش حسابرسی بررسی می‌کنیم. برای آزمون فرضیه‌ها، از داده‌های ۱۱۰ مشاهده در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ استفاده می‌کنیم. نتایج نشان داد که رابطه منفی معناداری بین نوع حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۱ تایید می‌شود. این نتیجه با نتایج لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. رابطه مثبت معناداری بین اظهار نظر مقبول حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۲ تایید می‌شود. با نتایج جاگی و تسویی (۱۹۹۹) و لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. رابطه مثبت معناداری بین اقلام غیر مترقبه و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۳ تایید می‌شود. با نتایج ونا و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد. رابطه مثبت معناداری بین نسبت موجودی و بدهی به کل دارایی و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۴ تایید می‌شود. رابطه منفی معناداری بین تعداد گزارش‌های بخش‌های تجاری شرکت و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۵ رد می‌شود. با نتایج جاگی و تسویی (۱۹۹۹) و لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. چنین نتیجه غیر منتظره‌ای به صنایع مختلف که در نمونه ما هستند و تعداد زیادی از شرکت‌هایی که بخش‌های کسب و کار را به ویژه در بخش‌های تجاری و مالی گزارش نمی‌دهند، نسبت داده شده است. رابطه مثبت معناداری بین پراکندگی مالکیت و تاخیر گزارش حسابرسی وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۶ تایید می‌شود. رابطه مثبت معناداری بین دوگانگی

مدیر عامل و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۷ تایید می‌شود. رابطه منفی معناداری بین نسبت مدیران مستقل و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۸ تایید می‌شود. رابطه منفی معناداری بین اندازه هیئت مدیره و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۹ تایید می‌شود. رابطه منفی معناداری بین فعالیت کمیته حسابرسی و تاخیر گزارش حسابرس وجود دارد و در نتیجه فرضیه ۱۰ تایید می‌شود. همچنین با توجه به مقدار احتمال و ضرایب رگرسیون مربوط به متغیرهای کنترلی نتایج زیر برای این متغیرها بدست می‌آید. بین نسبت اهرم و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در حالی که بین فروش خارجی و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. بازده دارایی‌ها مقدار تاخیر گزارش حسابرسی را افزایش می‌دهد. بین نوع صنعت و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به متغیرهای کنترل، یافته‌ها نشان می‌دهد که تاخیر گزارش حسابرسی، عملکرد فزاینده‌ای از اندازه شرکت است، زیرا پیچیدگی کسب و کار را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، بازده دارایی‌ها مقدار تاخیر گزارش حسابرسی را افزایش می‌دهد زیرا حسابرسان می‌توانند حسابرسی‌های بیشتری را در رابطه با درآمد شرکت‌های با عملکرد بالا انجام دهند تا از هرگونه تعهد گزینشی که برای درآمد بیش از حد پیش بینی شده است، جلوگیری شود. بنابراین، به نظر می‌رسد شرکت حسابرسی بزرگ به شفافیت شرکت‌ها کمک می‌کنند که سریع‌تر گزارش‌های حسابرسی خود را به اطلاع عموم می‌رسانند. یک توضیح ممکن برای نتیجه این است که شرکت‌های حسابرسی بزرگ دارای پایگاه تخصصی فنی و حرفه‌ای و کارکنان با کیفیت بالاتر نسبت به سایر شرکت‌های حسابرسی محلی هستند. بر خلاف پیش بینی‌های ما، حضور موارد غیر مترقبه و غیر معمول و دیدگاه حسابرسی صحیح در مورد تاخیر گزارش حسابرسی هیچ تأثیری ندارد. یک توضیح ممکن برای این نتایج نامنظم ممکن است به ترکیب نمونه کلی ما مربوط شود که شامل بخش‌هایی با سیاست‌های گزارش‌دهی متفاوت و تاخیر گزارش‌های مختلف حسابرسی است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تاخیر گزارش حسابرسی برای شرکت‌های فعال در بخش مالی به طور معناداری پایین‌تر است. در نهایت، بین نسبت اهرم و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد، در حالی که بین فروش خارجی و تاخیر گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. به طور کلی، تجزیه و تحلیل چند متغیره تایید یافته‌های گزارش شده در تجزیه و تحلیل یک جانبه (یکنواخت) را نشان می‌دهد که شرکت حسابرسی بزرگ و تعداد جلسات کمیته

حسابرسی نشان‌دهنده پیشگویی‌های کلیدی افشای به موقع، به عنوان متغیری برای تأخیر گزارش حسابرسی است. از میان پنج متغیر مرتبط با حسابرسی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است، تنها نوع حسابرس، نقش تعیین کننده و کلیدی برای افشای به موقع است که به طور معناداری به کاهش تأخیر گزارش حسابرسی کمک می‌کند. چنین یافته‌هایی تأیید می‌کند که شرکت‌های بزرگ حسابرسی دارای تخصص و تکنولوژی مورد نیاز برای افزایش اثربخشی حسابرسی خود و رفع نیازهای کاربران در مورد اطلاعات به موقع هستند؛ زیرا قبلاً نظرات حسابرسی دریافت می‌کنند، سریع‌تر می‌توانند ترجیحات سرمایه‌گذاری شان را تعدیل کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها تعداد جلسات کمیته حسابرسی به کاهش تأخیر گزارش حسابرسی کمک می‌کند. بنابراین کمیته حسابرسی مستمر و فعال می‌تواند نقش مهمی را در نظارت بر سیاست‌های گزارشگری مالی ایفا کند و تنظیمات لازم را برای بهبود شفافیت شرکت‌ها انجام دهد. علاوه بر این، ویژگی‌های صنعت نتایج مطالعه ما را تعدیل می‌کند. برای بخش مالی، جلسات کمیته حسابرسی و نوع حسابرس به طور معناداری به کاهش تأخیر گزارش حسابرسی کمک می‌کند. با توجه به تجارت و خدمات صنعت، فعالیت کمیته حسابرسی معنادار نیست در حالی که نوع حسابرس همچنان معنادار است. برای شرکت‌های صنعتی، رابطه بین تأخیر گزارش حسابرسی با نوع حسابرس و فعالیت کمیته حسابرسی منفی معنادار است. لازم به ذکر است که نوع صنعت، اثر اقلام غیر مترقبه را کاهش می‌دهد و خطر گزارش را در مورد تأخیر گزارش حسابرسی تعدیل می‌کند که با نتایج ونا و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد. این مطالعه به تحقیقات موجود در ارتباط با تعیین کننده‌های تأخیر گزارش حسابرسی به چندین روش کمک می‌کند. اول، کار قبلی افیفی (۲۰۰۹) را با یکپارچه سازی متغیرهای جدید به ویژه مجموعه‌ای جامع از متغیرهای حاکمیت شرکتی و متغیرهای مربوط به حسابرسی که فرضیه تأثیر بر تأخیر گزارش حسابرسی را دارند، گسترش می‌دهد. دوم، آن را در بازاری متمرکز می‌کند که نشان دهنده بورس اوراق بهاداری است که از عدم شفافیت و سطح بالایی از محرمانگی رنج می‌برد. در نهایت، نتایج پژوهش می‌تواند پیامدهایی برای سیاستمداران و سرمایه‌گذاران داشته باشد. سیاست‌گذاران می‌توانند قوانین جدیدی را برای کاهش دوگانگی مدیران اجرایی و ایجاد حداقل تعداد مورد نیاز جلسات کمیته حسابرسی برای بهبود سطح شفافیت و در نتیجه افزایش افشای اطلاعات به موقع اعمال کنند. علاوه بر این، اگر مقررات آینده با هدف افزایش زمانبندی افشاگری توسط تنظیم کننده‌های تعیین شده باشد، نتایج نشان می‌دهد که این ممکن

است پیامدهای ناشی از بازار حسابرسی را داشته باشد، زیرا شرکت حسابرسی بزرگ قادر به دیدار کوتاه تر با تاخیر خواهند بود. با توجه به سرمایه گذاران، حضور شرکت بزرگ حسابرسی و یک کمیته حسابرسی فعال، باید در مورد رفتار مدیریت مناسب و گزارش دهی شرکت‌ها را به سهامداران فعلی یا بالقوه نشان بدهد. شرکت‌هایی که دارای این ویژگی‌ها هستند اما با سطح شفافیت بیشتری مواجه نیستند چیزی برای پنهان کردن دارند. تاخیر گزارش حسابرسی نشان دهنده شفافیت شرکت‌ها و به روز بودن افشاگری است که از طریق آن سرمایه گذاران می‌توانند قبل از تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص منابع خود به تحلیل دقیق شرکت‌های ذکر شده پردازند. این مفاهیم را می‌توان به سایر کشورهای در حال توسعه گسترش داد، از آنجایی که افشای به موقع، توسط تاخیر گزارش حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود، نشان دهنده یک مبنای اساسی برای عملکرد کارآمد بورس اوراق بهادار نوظهور و بخش مهمی از شفافیت شرکت‌ها در اقتصادهای نوظهور است.

منابع

- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۵). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵ (۲۰): ۲۳-۴۵.
- دیلمی، صفیه؛ صفری گرایلی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی رابطه کیفیت حاکمیت شرکتی و نوسان بازده سهام، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶ (۲۱): ۱۱۵-۱۲۶.
- Abd-Elsalam, O. H. and Weetman, P. (2003), Introducing international accounting standards to an emerging capital market: relative familiarity and language effect in Egypt, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*: 12. 63-84.
- Afify, H. A. E. (2009), Determinants of audit report lag: Does implementing corporate governance have any impact? Empirical evidence from Egypt, *Journal of Applied Accounting Research*: 10 (1). 56-86.
- Al-Ajmi, J. (2008), Audit and reporting delays: Evidence from an emerging market *Advances in Accounting*: 24 (1), 217-226.
- Allegrini, M. and Greco, G. (2011), Corporate boards, audit committees and voluntary disclosure: evidence from Italian Listed Companies, *Journal of Management and Governance*: 17 (1), 187-216.
- Arcay, M. B. and Vazquez, M. M. (2005), Corporate characteristics, governance rules and the extent of voluntary disclosure in Spain, *Advances in Accounting*: 21, 299-331.

- Bamber, E. M. , Bamber, L. S. and Schoderbek, M. P. (1993) , Audit structure and other determinants of audit reporting: An empirical analysis, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*: 12 (1). 1–23.
- Cerbioni, F. and Parbonetti, A. (2007) , Exploring the effects of corporate governance on intellectual capital disclosure: An analysis of European biotechnology companies, *European Accounting Review*: 16 (4) ,. 791–826.
- Dahawy, K. and Conover, T. (2007) , Accounting disclosure in companies listed on the Egyptian stock exchange, *Middle Eastern Finance and Economics*: 1. 1–20.
- Dahawy, K. and Samaha, K. (2010) , An investigation of the views and perceptions of external users of corporate annual reports in emerging economies: the case of Egypt, *International Journal of Accounting and Finance*: 2 (3-4). 331–367.
- Daylami, S. , safari, M. (2016). The Relation between Corporate Governance Quality and Stock Return Volatility. *Empirical Research in Accounting*: 6 (1) , 115-136. (In Persian)
- Ettredge, M. L. , Li, C. and Sun, L. (2006) , the impact of SOX Section 404 internal control quality assessment on audit delay in the SOX era *Auditing: A Journal of Practice and Theory*: 25 (1) , 1–23.
- Gul, F. A. and Leung, S. (2004) , Board leadership, outside directors' expertise and voluntary corporate disclosures, *Journal of Accounting and Public Policy*: 23 (5). 351–379.
- Habib, A. and Bhuiyan, M. B. (2011) , Audit firm industry specialization and the audit report lag, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*: 20. 32– 44.
- Hasas Yeganeh, Y. (2016). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on Audit Quality and Real Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*: 5 (4) , 23-45. (In Persian)
- Henderson, B. C. and Kaplan, S. E. (2000) , Research notes: An examination of audit report lag for banks: A panel data approach, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*: 19 (2). 159–174.
- Hidalgo, R. , García-Meca, E. & Martínez, I. (2010) , Corporate governance and intellectual pital disclosure, *Journal of Business Ethics*,. 100 (3) , 483-495.
- Ho, S. M. and Wong, K. S. (2001) , A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*: 10 (1). 139–156.
- Huafang, X. and Jianguo, Y. (2007) , Ownership structure, board composition and corporate voluntary disclosure: evidence from listed companies in China, *Managerial Auditing Journal*: 22 (6). 604 –619.

- Jaggi, B. and Tsui, J. (1999) , Determinants of audit report lag: Further evidence from Hong Kong, *Accounting and Business Research*: 30 (1). 17–28.
- Khlif, H. , Samaha, K. and Azzam, I. (2015) , Disclosure, ownership structure, earnings announcement lag and cost of equity capital in emerging markets, *Journal of Applied Accounting Research*: 16 (1). 28 – 57.
- Knechel, W. and Pyne, J. (2001) , Additional evidence on audit report lag, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*: 20, 137–146.
- Leventis, S. Weetman, P. and Caramanis, C. (2005) , Determinants of audit report lag: Some evidence from the Athens Stock Exchange, *International Journal of Auditing*: 9 (1). 45–58.
- McMullen, D. A. and Raghunandan, K. (1996) , Enhancing audit committee effectiveness, *Journal of Accountancy*: 182 (2). 7–81.
- MOEFT (1997) Ministry of Economics and Foreign Trade, The Egyptian Accounting Standards, Ministerial Decree No. 503/1997, Cairo, The Middle East Library for Economic Services, Meles (in Arabic).
- Mohamad-Nor, M. N. , Shafie, R. and Wan-Hussin, WN. (2010) , Corporate governance and audit report lag in Malaysia, *Asian Academy of Management Journal of Accounting and Finance*: 6 (2). 57–84.
- Ng, P. P. H. and Tai, B. Y. K. (1994) , An empirical examination of the determinants of audit delay in Hong Kong, *British Accounting Review*: 26 (1). 43–59.
- Owusu-Ansah, S. and Leventis, S. (2006). Timeliness of corporate annual financial reporting in Greece. *European Accounting Review*: 15 (2). 273-287.
- Samaha, K (2005) , International accounting standards in an emerging capital market: a study of compliance and factors explaining compliance in listed Egyptian companies, unpublished PhD thesis, University of Manchester, UK.
- Samaha, K. & Hegazy, M. (2010) , An empirical investigation of the use of ISA 520 analytical procedures among Big 4 versus non-Big 4 audit firms in Egypt”, *Managerial Auditing Journal*: 25 (9). 882-911.
- Samaha, K. , Dahawy, K, Stapleton, P. and Conover, T. (2009) , Progressing Egypt towards convergence with IFRS: an agenda for future research, *Journal of Current Research in Global Business*, Fall: 12 (18). 54–65.
- Samaha, K. , Dahawy, K. , Hussainey, K. and Stapleton, P. (2012) , The extent of corporate governance disclosure and its determinants in a developing market: the case of Egypt, *Advances in Accounting*: 28 (1). 168-178.
- Samaha, K. and Dahawy, K. (2011) , An empirical analysis of corporate governance structures and voluntary corporate disclosure in volatile

- capital markets: the Egyptian experience, *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*: 7 (1/2). 61–93.
- Samaha, K. and Stapleton, P. (2008) , Compliance with international accounting standards in a national context: some empirical evidence from the Cairo and Alexandria Stock Exchanges, *Afro-Asian Journal of Finance and Accounting*: 1 (1). 40–66.
- Samaha, K. , & Khlif, H. (2017). Audit-related attributes, Regulatory Reforms and Timely Disclosure: Further Evidence from an Emerging Market, *Journal of Financial Reporting and Accounting*: 15 (2) , 158-179
- Shahid, S. (2003) , The impact of globalization on capital markets: the Egyptian case, *The Arab Bank Review*: 5 (2). 7–15.
- Spathis, C. T. (2003) , Audit qualification, firm litigation, and financial information: an empirical analysis in Greece, *International Journal of Auditing*: 7 (1). 1–15 .
- Veena L. Brown, Jodi L. Gissel, Daniel Gordon Neely, (2016). Audit quality indicators: perceptions of junior-level auditors, *Managerial Auditing Journal*: 31 (8/9). 949-980.

Archive 01